

بدون شک همه انسانها در آن صحنه، جمع خواهند بود، و احدی از این قانون مستثنا نیست، تعبیر جمعناهم جمعا نیز اشاره به همین حقیقت است از مجموع آیات قرآن بخوبی استفاده می شود که در پایان جهان و آغاز جهان دیگر، دو تحول عظیم انقلابی در عالم رخ می دهد: نخستین تحول، فناء موجودات و انسانها در یک برنامه ضربتی است، و دومین برنامه که معلوم نیست چه اندازه با برنامه نخست فاصله دارد. برانگیخته شدن مردگان آنهم با یک برنامه ضربتی دیگر است، که از این دو برنامه در قرآن به عنوان نفخ صور

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۵۵

(دمیدن در شیپور) تعبیر شده است، و ما به خواست خدا شرح آنرا در ذیل آیات ۶۸ سوره زمر بیان خواهیم کرد.

در اینجا روایتی از اصبع نباته از علی (علیه السلام) نقل شده که امام در تفسیر جمله ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض می فرماید منظور روز قیامت است ممکن است چنین تصور شود که این روایت با آنچه ما در بالا در تفسیر آیه آوردیم منافات دارد زیرا ما آن را به مرحله فناء دنیا تفسیر نمودیم (همانگونه که ظاهر آیات قبل و بعد آن است).

اما توجه به یک نکته این اشکال را بر طرف می سازد و آن اینکه گاهی روز قیامت به معنی وسیع کلمه به کار میرود که مقدمات آن رانیز شامل می شود و می دانیم یکی از مقدمات آن، فناء ضربتی دنیا است.

سپس به شرح حال کافران می پردازد، هم عاقبت اعمالشان و هم صفاتی را که موجب آن سرنوشت می گردد بیان می دارد و چنین می گوید: ما جهنم را در آن روز به کافران عرضه می داریم (و عرضنا جهنم یومئذ للکافرین عرضا).

جهنم با عذابهای رنگارنگش و مجازاتهای مختلف دردناکش در برابر آنها کاملاً ظاهر و آشکار می شود که همین مشاهده و ظهورش در برابر آنان خود عذاب است دردناک و جانکاه، تا چه رسد به اینکه گرفتار آن شوند.

کافران کیانند و چرا گرفتار چنان سرنوشت می شوند؟ در یک جمله کوتاه آنها را چنین معرفی می کند: همانان که چشمهایشان در پرده بود، و نتوانستند چهره حق را ببینند و به یاد من بیفتند (الذین کانت اعینهم فی غطاء عن

ذکری).
و همانها که گوش داشتند اما قدرت شنوائی نداشتند (و کانوا لایستطیعون سمعا).
در حقیقت آنها مهمترین وسیله حقجوئی و درک واقعیات و آنچه عامل سعادت و شقاوت انسان می شود از کار انداخته بودند، یعنی چشمهای بینا و گوشهای شنو را بر اثر اندیشه های غلط و تعصبا و کینه توزیها و صفات زشت دیگر در حجابی سخت و سنگین فروبرده بودند.
جالب اینکه در مورد چشم می گوید: چشمهایشان در پوششی دوراز یاد من قرار داشت، اشاره به اینکه چون در پوشش و حجاب غفلت بودند آثار خدا را ندیدند و چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند، و خدا را فراموش کردند.
آری چهره حق آشکار است، و همه چیز این جهان با انسان سخن می گوید تنها یک چشم بینا و یک گوش شنوا لازم است و بس.
به تعبیر دیگر یاد خدا چیزی نیست که با چشم دیده شود، آنچه دیده می شود آثار او است، اما آثار او، سبب یاد او است.
آیه بعد به یک نقطه انحراف فکری آنها که پایه اصلی انحرافات دیگرشان بوده است اشاره کرده می گوید: آیا کافران گمان کردند می توانند بندگان مرا بجای من ولی و سرپرست خود انتخاب کنند (افحسب الذین کفروا ان یتخذوا عبادی من دونی اولیاء).
آیا این بندگان که معبود واقع شدند همچون مسیح و فرشتگان هر قدر مقامشان والا باشد از خود چیزی دارند که بتوانند از دیگران حمایت کنند؟ یا بعکس، خود آنها هم هر چه داشتند از ناحیه خدا بود، حتی خودشان نیز نیازمند

به هدایت او بودند این حقیقتی است که آنها فراموشش کردند و در شرک فرو رفتند.
در پایان آیه برای تاکید بیشتر می فرماید: ما جهنم را برای منزلگاه کافران آماده ساختیم و از آنها در این منزل پذیرائی می کنیم! (انا اعتدنا جهنم للکافرین نزلنا).
نرلا).

نزل (بر وزن رسل) هم به معنی منزلگاه آمده، و هم به معنی چیزی که برای پذیرائی مهمان آماده می‌شود، بعضی گفته‌اند نخستین چیزی است که با آن از مهمان پذیرائی می‌کنند، همانند شربت یامیوه‌ای که در آغاز ورود مهمان برای او می‌آورند.

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۵۸

آیه ۱۰۳ - ۱۰۸

آیه و ترجمه

قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالا ۱۰۳
الذین ضل سعيهم فی الحیوة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا ۱۰۴
اولئک الذین کفروا بایات ربهم و لقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم
القیمة و زنا ۱۰۵

ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا و اتخذوا آیاتی و رسلی هزوا ۱۰۶
ان الذین ءامنوا و عملوا الصالحات کانت لهم جنت الفردوس نزلا ۱۰۷
خالدين فیها لا یبغون عنها حولا ۱۰۸

ترجمه :

۱۰۳ - بگو آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین (مردم) کیانند.
۱۰۴ - آنها که تلاشهایشان در زندگی دنیا گم (و نابود) شده، با اینحال گمان می‌کنند کار

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۵۹

۱۰۵ - آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان و لقای او کافر شدند، به همین جهت اعمالشان حبط و نابود شد، لذا روز قیامت میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد.

۱۰۶ - اینگونه کیفر آنها دوزخ است، بخاطر آنکه کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به باد استهزاء گرفتند.

۱۰۷ - اما کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند باغهای فردوس منزلگاهشان است.

۱۰۸ - آنها جاودانه در آن خواهند ماند و هرگز تقاضای نقل مکان از آنجا نمی‌کنند.

تفسیر:

زیانکارترین مردم

این آیات و آیات آینده تا پایان این سوره در عین اینکه توضیحی است برای صفات افراد بی ایمان، یکنوع جمعبندی است برای تمام بحثهایی که در این سوره گذشت مخصوصاً بحثهای مربوط به داستان اصحاب کهف و موسی و خضر و ذو القرنین و تلاشهای آنها در برابر مخالفانشان.

نخست به معرفی زیانکارترین انسانها و بدبختترین افراد بشر می پردازد، اما برای تحریک حس کنجکاوی شنوندگان در چنین مساله مهمی آن را در شکل یک سؤال مطرح می کند و به پیامبر دستور می دهد: بگو آیا به شما خبر دهم زیانکارترین مردم کیست؟! (قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالا)

بلافاصله خود پاسخ می گوید تا شنونده مدت زیادی در سرگردانی نماند: زیانکارترین مردم کسانی هستند که کوششهایشان در زندگی دنیا گم و نابود شده با این حال گمان می کنند کار نیک انجام می دهند! (الذین ضل سعیمهم فی الحیوة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا) مسلماً مفهوم خسران تنها این نیست که انسان منافعی را از دست بدهد بلکه

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۶۰

خسران واقعی آنست که اصل سرمایه را نیز از کف دهد، چه سرمایه ای برتر و بالاتر از عقل و هوش و نیروهای خداداد و عمر و جوانی و سلامت است؟ همینها که محصولش اعمال انسان است و عمل ما تبلوری است از نیروها و قدرتهای ما.

هنگامی که این نیروها تبدیل به اعمال ویرانگر یا بیهوده ای شود گویی همه آنها گم و نابود شده اند، درست به این می ماند که انسان سرمایه عظیمی همراه خود به بازار ببرد اما در وسط راه آنرا گم کند و دست خالی برگردد. البته در صورتی که انسان بداند سرمایه خویش را از دست داده گرچه خسران کرده، اما خسران خطرناکی نیست، چرا که این زیان درسهائی برای آینده به او می آموزد که گاهی این درسها معادل آن سرمایه یا بیشتر از آن است و به این ترتیب در واقع چیزی را از دست نداده است.

اما زیان واقعی و خسران مضاعف آنجا است که انسان سرمایه های مادی و معنوی خویش را در یک مسیر غلط و انحرافی از دست دهد و گمان کند کار خوبی کرده است، نه از این کوششها نتیجه ای برده، نه از زیانش درسی آموخته،

و نه از تکرار این کار در امان است. جالب اینکه در اینجا تعبیر به اخسرين اعمالا شده در حالی که باید اخسرين عملا باشد (چون تمیز معمولاً مفرد است) این تعبیر ممکن است اشاره به این باشد که آنها فقط در یک بازار عمل گرفتار زیان و خسران نشده‌اند بلکه جهل مرکبشان، سبب خسران در همه برنامه‌های زندگی و تمام اعمال و کارهایشان شده است.

به تعبیر دیگر گاه انسان در یک رشته تجارت زیان می‌کند، و در یک رشته دیگر سود، و در پایان سال آنها را روی هم محاسبه کرده می‌بیند چندان زیانی نکرده است، ولی بدبختی آن است که انسان در تمام رشته‌هایی که سرمایه گذاری کرده زیان کند.

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۶۱

ضمناً تعبیر به گم شدن گویا اشاره به این حقیقت است که اعمال انسان به هر صورت در عالم نابود نمی‌شود، همانگونه که ماده و انرژیهای جهان هر چند دائماً تغییری شکل می‌دهند اما به هر حال از بین نمی‌روند، ولی گاه گم می‌شوند، چون آثار آنها به چشم نمی‌خورد و هیچگونه استفاده از آن نمی‌گردد، همانند سرمایه‌های گم شده‌ای که از دسترس ما خارج و بلا استفاده است.

در باره اینکه چرا انسان گرفتار چنین حالتی از نظر روانی می‌شود در نکات بحث خواهیم کرد.

آیات بعد به معرفی صفات و معتقدات این گروه زیانکار می‌پردازد و چند صفت که ریشه تمام بدبختیهای آنها است، بیان می‌دارد:

نخست می‌گوید: آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارشان کافر شدند (اولئك الذين كفروا بايات ربهم)

آیاتی که چشم و گوش را بینا و شنوا می‌کند، آیاتی که پرده‌های غرور را درهم می‌درد، و چهره واقعیت را در برابر انسان مجسم می‌سازد، و بالاخره آیاتی که نور است و روشنائی، و آدمی را از ظلمات اوهام و پندارها بیرون آورده به سرزمین حقایق رهنمون می‌گردد.

دیگر اینکه آنها بعد از فراموش کردن خدا به معاد و لقاء الله کافر گشتند (و لقاءه)

آری تا ایمان به معاد در کنار ایمان به مبدء قرار نگیرد و انسان احساس نکند که

قدرتی مراقب اعمال او است و همه را برای یک دادگاه بزرگ و دقیق و سختگیر حفظ و نگهداری می کند، روی اعمال خود حساب صحیحی نخواهد کرد، و اصلاح نخواهد شد.

سپس اضافه می کند: به خاطر همین کفر به مبدء و معاد، اعمالشان حبط

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۶۲

و نابود شده است (فحبطت اعمالهم).

درست همانند خاکستری در برابر یک طوفان عظیم.

و چون آنها عملی که قابل سنجش و ارزش باشد ندارند، لذا روز قیامت وزن و میزانی برای آنان برپا نخواهیم کرد (فلا نقیم لهم يوم القيامة وزنا).

چرا که توزین و سنجش مربوط به جایی است که چیزی در بساط باشد، آنها که چیزی در بساط ندارند چگونه توزین و سنجشی داشته باشند؟!.

سپس ضمن بیان کیفر آنها سومین عامل انحراف و بدبختی و زیانشان را بیان کرده می گوید: کیفر آنها جهنم است به خاطر آنکه کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را بباد استهزاء و سخریه گرفتند (ذلک جزائهم جهنم بما کفروا و اتخذوا آیاتی و رسلی هزوا).

و به این ترتیب آنها سه اصل اساسی معتقدات دینی (مبدء و معاد و رسالت انبیاء) را انکار کرده و یا بالاتر از انکار آن را به باد مسخره گرفته اند:

مشخصات کفار و زیانکارترین مردم و همچنین سرانجام کارشان بخوبی دانسته شد و اکنون به سراغ مؤمنان و سرنوشتشان می رویم تا با قرینه مقابله، وضع هر دو طرف کاملاً مشخص گردد، قرآن در این زمینه میگوید: کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند باغهای فردوس منزلگاهشان است (ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلاً).

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۶۳

فردوس به طوری که بعضی از مفسران بزرگ گفته اند باغی است که همه نعمتها و تمام مواهب لازم در آن جمع باشد، و به این ترتیب فردوس بهترین و برترین باغهای بهشت است.

و از آنجا که کمال یک نعمت در صورتی خواهد بود که دست زوال بدامن آن دراز نشود بلا فاصله اضافه می کند: آنها جاودانه در این باغهای بهشت خواهند

ماند (خالدین فیها)

و با اینکه طبع مشکل پسند و تحول طلب انسان دائماً تقاضای دگرگونی و تنوع و تحول می کند ساکنان فردوس هرگز تقاضای نقل مکان و تحول از آن نخواهند کرد (لا یبغون عنها حولا).

برای اینکه هر چه می خواهند در آنجا هست حتی تنوع و تکامل چنانکه شرح آن در نکته ها خواهد آمد

نکته ها:

۱ - اخسرين اعمالا چه کسانی هستند؟!

در زندگی خود و دیگران بسیار دیده ایم که گاه انسان کار خلافی انجام میدهد در حالی که فکر می کند که کار خوب و مهمی انجام داده است، این گونه جهل مرکب ممکن است یک لحظه و یا یک سال، و یا حتی یک عمر، ادامه یابد، و راستی بدبختی از این بزرگتر تصور نمی شود.

و اگر می بینیم قرآن چنین کسان را زیانکارترین مردم نام نهاده دلیلش روشن است برای اینکه کسانی که مرتکب گناهی می شوند اما می دانند خلافتکارند غالباً حد و مرزی برای خلافتکاری خود قرار می دهند، و لاقلاً چهار اسبه نمی تازند، و بسیار می شود که به خود می آیند و برای جبران آن به سراغ توبه

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۶۴

و اعمال صالح می روند، اما آنها که گنهکارند و در عین حال گناهشان را عبادت، و اعمال سوئشان را صالحات و کژی ها رادستی ها می پندارند، نه تنها در صدد جبران نخواهند بود بلکه با شدت هر چه تمامتر به کار خود ادامه می دهند، حتی تمام سرمایه های وجود خود را در این مسیر به کار می گیرند، و چه تعبیر جالبی قرآن در باره آنها ذکر کرده: (اخرین اعمالا).

در روایات اسلامی تفسیرهای گوناگونی برای اخسرين اعمالا آمده است که هر یک از آنها اشاره به مصداق روشنی از این مفهوم وسیع است، بی آنکه آنرا محدود کند، در حدیثی از اصبع بن نباته می خوانیم که شخصی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از تفسیر این آیه سؤال کرد، امام فرمود: منظور یهود و نصاری هستند، اینها در آغاز بر حق بودند سپس بدعتهایی در دین خود گذاردند و درحالی که این بدعتها آنها را به راه انحراف کشانید گمان می کردند کار نیکی انجام می دهند در

حدیث دیگری از همان امام (علیه السلام) می خوانیم: که پس از ذکر گفتار

فوق فرمود: خوارچ نهروان نیز چندان از آنها فاصله نداشتند!
در حدیث دیگر مخصوصا اشاره به رهبانها (مردان و زنان تارک دنیا) و گروه‌های بدعتگذار از مسلمین شده است.
و در بعضی از روایات به منکران ولایت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) تفسیر گردیده.
راهبانی که یک عمر در گوشه دیرها تن به انواع محرومیتها می‌دهند، از ازدواج چشم می‌پوشند، از لباس و غذای خوب صرف نظر می‌کنند، و دیرنشینی را بر همه چیز مقدم می‌شمرند، و گمان می‌کنند این محرومیت‌ها سبب قرب آنها

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۶۵

به خدا است آیا مصداق اخسین اعمالا نیستند؟
آیا هیچ مذهب و آئین الهی ممکن است بر خلاف قانون عقل و فطرت، انسان اجتماعی را به انزوا دعوت کند و این کار را سرچشمه قرب به خدا بداند؟
همچنین آنها که در آئین خدا بدعت گذاردند، تثلیث را بجای توحید و مسیح بنده خدا را به عنوان فرزند خدا، و خرافاتی دیگر از این قبیل را وارد آئین پاک الهی نمودند، به گمان اینکه دارند خدمتی می‌کنند، آیا این گونه افراد از زیانکارترین مردم نیستند؟
خوارچ نهروان، آن جمعیت قشری بی مغز و نادان که بزرگترین گناهان (همچون کشتن علی (علیه السلام) و گروهی از مسلمانان راستین و گلهای سرسبد اسلام) را موجب تقرب به خدا می‌دانستند و حتی بهشت را در انحصار خود فرض می‌کردند آیا از زیانکارترین مردم نبودند؟
خلاصه آیه آنچنان مفهوم وسیعی دارد که اقوام زیادی را در گذشته و حال و آینده در بر می‌گیرد.
اکنون این سؤال پیش می‌آید که سرچشمه این حالت انحرافی خطرناک چیست؟
مسلمما تعصیبهای شدید، غرورها، تکبر خودمحوری، و حب ذات از مهمترین عوامل پیدایش این گونه پندارهای غلط است.
گاه تملق و چاپلوسی دیگران، و زمانی در گوشه انزوا نشستن و تنهابه قاضی رفتن، سبب پیدایش این حالت می‌گردد که تمام اعمال و افکار انحرافی و زشت انسان در نظر او زینت می‌دهد، آنچنان که بجای احساس شرمندگی و

ننگ از این زشتیها، احساس غرور و افتخار و مباهات می‌کند، همانگونه که قرآن در جای دیگری فرماید: (افمن زین له سوء عمله فرآه حسنا: آیا کسی که اعمال زشتش در نظرش زینت داده شده است و آن را نیکومی‌پندارد...

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۶۶

(فاطر آیه ۸).

در بعضی دیگر از آیات قرآن عامل این تزیین زشتیها، شیطان معرفی شده است، و مسلماً ابزار شیطان در وجود انسان همان خلق و خواهی زشت و انحرافی است،

و اذین لهم الشیطان اعمالهم و قال لا غالب لکم الیوم من الناس وانی جار لکم:

به خاطر بیاورید هنگامی را که شیطان اعمال مشرکان را در نظرشان زینت داد و به آنها گفت در این میدان (جنگ بدر) هیچکس نمی‌تواند بر شما پیروز شود و من شخصاً در کنار شما در این میدان شرکت دارم! (سوره انفال آیه ۴۸. قرآن پس از ذکر داستان برج معروف فرعون می‌گوید و کذلک زین لفرعون سوء عمله: این چنین برای فرعون اعمال زشتش در نظرش تزیین شده (که دست به این‌گونه کارهای احمقانه و مضحک برای مبارزه با خدا می‌زند و گمان می‌کند کار مهمی انجام داده است) (مؤمن - ۳۶ و ۳۷).

۲ - لقاء الله چیست؟

گرچه بعضی از شبه دانشمندان خرافی از اینگونه آیات چنین استفاده کرده‌اند که خدا را در جهان دیگر میتوان دید، و ملاقات رابه معنی ملاقات حسی تفسیر نموده‌اند.

ولی بدیهی است که ملاقات حسی لازمه‌اش جسمیت، و جسمیت لازمه‌اش محدود بودن، نیازمند بودن و فنا پذیر بودن است، و هرعاقلی می‌داند خداوند نمی‌تواند دارای چنین صفاتی باشد.

بنابر این بدون شک منظور از ملاقات یا رؤیت در آیات مختلف قرآن هنگامی که به خدا نسبت داده می‌شود ملاقات حسی نیست بلکه شهود باطنی است. یعنی انسان در قیامت چون آثار خدا را بیشتر و بهتر از هر زمان مشاهده می‌کند او را با چشم دل آشکارا می‌بیند، و ایمان او نسبت به خدا یک ایمان شهودی

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۶۷

می‌شود، به همین دلیل، طبق آیات قرآن، حتی لجوج‌ترین منکران خدا در قیامت زبان به اعتراف می‌گشایند چرا که راهی برای انکار نمی‌بینند گروهی از مفسران نیز مفهوم این تعبیر را مشاهده نعمتها و پاداشها، و همچنین عذاب و کیفرهای الهی دانسته‌اند، و در حقیقت کلمه نعمت و ثواب و جزا را در تقدیر گرفته‌اند. از این دو تفسیر در عین اینکه با هم منافاتی ندارند تفسیر اول روشنتر به نظر میرسد.

۳- توزین اعمال

نیازی به این نداریم که مساله توزین اعمال را در قیامت از طریق تجسم اعمال تفسیر کنیم و بگوئیم عمل آدمی در آنجا تبدیل به جسم صاحب وزنی می‌شود چرا که توزین معنی وسیعی دارد و هرگونه سنجش را دربر می‌گیرد، مثلاً در مورد افراد بی شخصیت می‌گوئیم آدمهای بیوزنی هستند، و یا سبک می‌باشند، در حالی که منظور کمبود شخصیت آنها است نه وزن جسمانی. جالب اینکه در آیات بالا در مورد گروه اخسرين اعمالا می‌گوید: برای آنها در قیامت اصلاً ترازوی سنجش برپا نمی‌سازیم آیا این با آیاتی که می‌گوید و الوزن يومئذ الحق (وزن در آنروز حق است - اعراف ۸) منافات دارد؟! مسلمانان، زیرا توزین در مورد کسانی است که کار قابل سنجشی انجام داده‌اند، اما کسی که تمام وجودش و افکار و اعمالش حتی به اندازه بال یک مگس وزن ندارد چه نیازی به سنجش دارد؟! لذا در روایت معروفی از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم: انه ليأتي الرجل العظيم السمين يوم القيامة لا يزن جناح بعوضة: در روز قیامت مردان

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۶۸

فربه بزرگ جثهای را در دادگاه خدا حاضر می‌کنند که وزنشان حتی به اندازه بال مگسی نیست! چرا که در این جهان اعمالشان، افکارشان و شخصیتشان همه تو خالی و پوک بود.

و از اینجا روشن می‌شود که مردم در آنجا چند دسته‌اند:

۱- گروهی بقدری از نظر حسنات و اعمال صالح پربارند که نیازی به توزین و حساب در کارشان نیست و بی حساب وارد بهشت می‌شوند.

۲- گروهی دیگر آنچنان اعمالشان حبط و باطل شده و یا بکلی فاقد عمل

صالح هستند که باز نیازی به توزین ندارند، آنها نیز بی حساب وارد دوزخ می شوند!

۳ - اما گروه سوم آنهائی هستند که دارای حسنات و سیئات می باشند، کارشان به وزن و حساب کشیده می شود و شاید اکثر مردم داخل در این قسم سوم هستند.

۴ - تفسیر جمله لا یبغون عنها حولا.

حول (بر وزن ملل) معنی مصدري دارد و به معنی تحول و نقل مکان است، همانگونه که در تفسیر آیات گفتیم فردوس باغی از بهشت است که بهترین نعمتها و مواهب الهی در آن جمع است، و به همین دلیل بهترین نقاط آن جهان می باشد: و لذا ساکنان آن هرگز تمنای نقل مکان از آن را نمی کنند. ممکن است سؤال شود پس زندگی در آنجا به صورت یکنواخت و راکد خواهد بود و این خود عیب بزرگ آن است. در پاسخ می گوئیم هیچ مانعی ندارد که تحول و تکامل در همان منطقه تداوم داشته باشد یعنی اسباب تکامل در آنجا جمع است، وانسانها در پرتو اعمالی که در این

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۶۹

جهان انجام داده اند و مواهبی که خدا در آن جهان به آنها عنایت کرده در مسیر تکامل دائما پیش می روند. به خواست خدا در ذیل آیات مناسب بحث پیرامون تکامل انسان راحتی در بهشت مشروحتر بیان خواهیم داشت.

۵ - فردوس جای چه کسانی است؟

سؤال دیگری که در اینجا پیش می آید این است که فردوس چنانکه گفته شد برترین جای بهشت است و در آیات فوق خواندیم فردوس منزلگاه افراد با ایمان و صاحبان اعمال صالح است، اگر چنین است مناطق دیگر بهشت ساکنانی نباید داشته باشد، چرا که غیر مؤمن را در بهشت راهی نیست. در پاسخ این سؤال می توان گفت که آیات فوق به هر فردی که ایمان و عمل صالح دارد اشاره نمی کند بلکه درجه والائی از نظر ایمان و عمل صالح را معیار برای دخول در فردوس قرار داده، هر چند ظاهر آیه مطلق است، اما توجه به مفهوم کلمه فردوس آن را مقید می کند. لذا در سوره مؤمنون که صفات وارثان فردوس را بیان می کند حداعلائی از

صفات مؤمنان را ذکر کرده که در همه افراد وجود ندارد و این خود قرینه‌های است بر اینکه ساکنان فردوس باید دارای صفات ممتازی باشند، علاوه بر ایمان و عمل صالح.

و نیز به همین دلیل در حدیثی که سابقاً از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کردیم خواندیم که می‌فرماید هر وقت از خدا تقاضای بهشت را می‌کنید مخصوصاً تقاضای

تفسیر نمونه جلد ۱۲ صفحه ۵۷۰

فردوس کنید که جامعترین و کاملترین منزلگاه‌های بهشت است اشاره به اینکه همت افراد با ایمان باید در همه چیز و در همه حال عالی باشد حتی در تمنای بهشت به مراحل پائینتر قناعت نکند، هر چند مراحل پائینتر هم غرق نعمت است.

بدیهی است کسی که چنین تقاضائی از خدا می‌کند لابد باید خود را برای رسیدن به چنین مقامی آماده کند، لابد باید حداکثر تلاش و کوشش را برای کسب برترین صفات انسانی و انجام صالحترین اعمال به خرج دهد.

بنابراین آنها که می‌گویند خدا کند ما به بهشت راه یابیم هر چند در پائین ترین مراحل آن باشیم، افرادی هستند که از همت والای مؤمنان راستین بهره کافی ندارند.

← بعد

↑ فهرست

→ قبل